

سندیکای کارگران شرکت واحد و جایگاه آن در جنبش کارگری

رضا رشیدی

یکم شهریورماه هشتاد و پنج

این مقاله قبل از آزادی منصور اسالو نوشته شده است.

طبقه کارگر در مبارزه برای تغییر موقعیت فرو دست خود و برای بهره مندی از معاش و سطح زندگی بهتر، سلاحی جز اتحاد و تشکل ندارد. کارگر بدون تشکل، کارگری منفرد و مبارزه اش محدود و در نهایت با فریبکاری صاحبان سرمایه عقیم خواهد ماند.

برای کارگر متشکل شدن و ایجاد تشکل که کارگران آگاه و پیشرو آن را سازماندهی و ایجاد می نمایند، حیاتی و از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد. هر تشکلی را که کارگران بوجود می آورند و از طریق آن مطالبات صنفی و روزمره شان را رو به جامعه اعلام می نمایند، برایشان قابل دفاع است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تشکل خود ساخته کارگران است که تاکنون توانسته خواسته ها و مطالبات کارگران را سازمان داده و در سطح گسترده ای آن را مطرح نماید. کارگران شرکت واحد توانستند با آگاهی و شناخت از امکانات رسانه ای جهان امروز، مبارزه و مطالبات خود را از محدوده جغرافیایی خارج کرده و آن را در عرصه جهانی مطرح نمایند و با جلب حمایت‌های بین المللی و افکار عمومی قدرت و پتانسیل مبارزه خود را قوت بیشتری بخشند و در همین راستا به عضویت اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل در آیند.

سندیکای کارگران شرکت واحد در یکسال گذشته با سازمان دادن چندین اعتراض و اعتصاب نشان داد، با گرایش فرمیستی حاکم بر سندیکاهای تاکنونی و با تعاریف کلاسیک متداول فاصله داشته و تشکلی است که با اراده مستقیم و ظرفیت نیروی کارگران اداره میشود.

با اینحال ما شاهد مخفی شدن عده ای در هاله ای از ادبیات من در آوردی و تخطئه کردن مبارزات کارگران شرکت واحد و عدم حضور در مبارزات جاری کارگران شرکت واحد با ادعای اینکه «چون سندیکا را قبول نداریم و آنها سندیکالیست هستند» بودیم. این عده نه تنها در کنار این کارگران قرار نگرفتند بلکه با پراکندن انواع تئوریهای ضد کارگری و ضد تشکل یابی کارگران، سایر کارگران را به عدم شرکت در فراخوان اتحادیه های کارگری جهانی در ۱۵ فوریه و عدم شرکت در مراسم مستقل اول ماه مه کارگران شرکت واحد، دعوت کردند.

نه تنها در مراسم مستقل کارگران شرکت واحد شرکت نکردند بلکه کارگران را به حضور در مراسم خانه کارگرها فراخواندند تا با استدلال خودشان آن مراسم را به ضد خود تبدیل نمایند.

در اینجا توضیح این نکته لازم است و سر راست باید به آن اشاره نمایم: شرکت در مراسم خانه کارگر و تبدیل آن به ضد خود و طرح شعارهای رادیکال، سنت مبارزه سالهای قبل کارگران بوده است. کارگران در سالهای قبل برای طرح مطالبات رادیکال خود از یک طرف و جدا کردن صف خود از خانه کارگرها از این تاکتیک بهره می جستند که در آن زمان به درجاتی قابل دفاع می باشد. اما کارگر در تجربه روزمره خود و با کسب آگاهی به این توانمندی رسیده است که می خواهد صف مستقل خود را داشته باشد و با تشکل خود ساخته مطالباتش را مطرح نماید. امروزه شاهد ایجاد و گسترش تشکلهایی هستیم که حاصل مبارزه کارگران و انسانهای شریف و زحمتکش میباشد که در آنها سطح آگاهی کارگران را از منافع طبقاتیشان از طریق طرح شعارهای رادیکال مانند داشتن حق تشکل و حق اعتصاب شاهدیم.

امروزه کارگران مشروعیتی را برای شوراهای اسلامی کار و خانه کارگرها قائل نیستند و آنها را تشکلهای ضد کارگری میدانند. قرار گرفتن یا قرار نگرفتن پشت مقوله ای چون سندیکا یا سندیکالیست، فی البداهه کسی را نه رفرمیست میکند نه رادیکال، و عضویت و حمایت از سندیکا در این جغرافیای معین دلیلی برای هیچیک از طرفین نمیتواند باشد. آنچه رفرمیست و رادیکال را از هم جدا میکند تئوری و پراتیک حاکم بر یک تشکل و میزان قرار گرفتن در جاده ای است که کارگر را در طول مبارزه اش به پیروزی نزدیک نماید.

با نگاهی اجمالی به مبارزات کارگران شرکت واحد، نقش تئوری و پراتیک رادیکال در پیشبرد مبارزات این کارگران به وضوح دیده میشود.

آقای مددی نایب رئیس سندیکای شرکت واحد در مصاحبه با روزنامه یونگ ولت در پاسخ به خبرنگار روزنامه مذکور در خصوص رسمیت سندیکا چنین پاسخ میدهد: به دلیل عدم توجه مدیریت شرکت واحد به درخواستهای مکرر صنفی کارگران مانند افزایش حقوق و دیگر خواسته های صنفی یک نوشته آموزشی در باره حق اعتصاب در آذر ماه سال ۸۴ به منظور هشدار به کارفرما از طرف سندیکا منتشر شد.

به راستی آموزش اعتصاب در کشوری که صحبت از اعتصاب جرم است، به عنوان اولین هشدار و اعلام موجودیت، آنهم با انتشار یک جزوه رسمی باز هم مفهوم سندیکای رفرمیستی را در ذهن تداعی میکند؟

در تاریخ ۸۴/۱۰/۱ از ساعت ۶ بامداد تعدادی از اعضا سندیکا بازداشت میشوند، منصور اسالو، ابراهیم مددی، منصور حیات غیبی، غلامرضا میرزایی، عباس نژند، علی زادحسین و عطا باباخانی.

این موج دستگیری باعث خشم کارگران شده و قراری برای اعتصاب در تاریخ ۸۴/۱۰/۴ گذاشته میشود. پس از چند روز از اعتصاب تمامی بازداشت شدگان غیر از منصور اسالو آزاد میشوند، دستگیری و بازداشت مجدداً شروع میشود، دفتر سندیکا پلمپ میشود، اما از سوی دیگر افکار عمومی آزادیخواه ساکت نمی ماند و سیل هجوم پیامهای حمایتی داخلی و بین المللی آغاز میشود.

تاریخ دیگری برای اعتصاب تعیین میشود و در تاریخ ۸/۱۱/۸۴ به تایید اعضا هیئت مدیره میرسد، سندیکا قرار اعتصاب را اعلام میکند ولی قبل از فرا رسیدن روز اعتصاب و صبح روز اعتصاب حدود هفتصد نفر از اعضای سندیکا و کارگران شرکت واحد بازداشت میشوند.

حرکت سندیکا در جهت طرح مطالبات کارگران و پی گیری مستمر و بدون عقب نشینی اعضا و فعالین سندیکا که به بخشی از آن در این نوشته اشاره شد و همچنین اعلام حمایت بخش وسیعی از کارگران شرکت واحد از سندیکا و سیاستهای اتخاذ شده توسط آن بیانگر پتانسیل و رادیکالیسم این تشکل کارگری میباشد.

اعلام موجودیت سندیکای کارگران شرکت واحد گامی به جلو در جهت تثبیت داشتن حق تشکل برای تمامی کارگران ایران بود و نقطه عطفی در مبارزات کارگران ایران محسوب میشود که نه خود بخودی، بلکه رنگ و بوی آگاهانه طبقاتی داشت.

کارگران شرکت واحد با احیا سندیکا توانستند مبارزه متشکل طبقه کارگر را گامی به پیش برده و بار دیگر سرمایه داری را به عقب نشانند، اما این هنوز ابتدا و آغاز راه است، راه دشوار است، اما پتانسیل رفع دشواریها بالاتر است.

کارگران شرکت واحد در ادامه مبارزه خود، در آستانه سالروز تامین اجتماعی جمعی را در ۲۴ تیر ماه در مقابل وزارت کار برگزار کردند. اعلام تجمع اعتراضی در آن روز برای بازگشت به کار کارگران اخراجی در عین حال حرکتی بود در راستای اعتراضات مستقل کارگری در آستانه سالروز تامین اجتماعی و اعلام استقلال از خانه کارگرها.

نکته قابل توجه دیگر در مبارزات کارگران شرکت واحد تعیین یافتن این نکته بود که کارگران برای تجمع و اعتراض و اعتصاب نیاز به مجوز دولتی و غیر دولتی ندارند و کارگر برای اعلام و ابراز هر گونه اعتراض در جهت منافع خود آزاد است.

کارگران شرکت واحد هر چند نه با حضور هزاران نفره، اما بار دیگر صف مستقل خود را به عنوان یک تشکل کارگری در ۲۴ تیر ماه اعلام نمودند اما از نقاط ضعف معین این حرکت استفاده نکردن از تمامی ظرفیتهای رسانه ای و افکار عمومی در جهت بسیج و جلب نظر اذهان عمومی جامعه به یک حرکت کارگری بود.

یکی از نقاط قوت کارگران شرکت واحد تعداد زیاد این کارگران است. متشکل شدن بخشی از این کارگران در سندیکا توانست در مدت کوتاهی نظم جامعه سرمایه داری را بر هم بریزد. در یک اعتصاب کوتاه کارگران شرکت واحد، دیدیم چگونه نظم شهر مختل شد و چگونه تا آن حد وسیع، سرمایه داری و حافظان و حامیان آن اینگونه به شرکت واحد تاختند. اگر به آمار و ارقام حاصل از درآمد شرکت واحد برای دولت رجوع کنیم خواهیم دید که از نظر اقتصادی کارکرد شرکت واحد و درآمد حاصل از آن چنان برای سرمایه داری از اهمیت بالایی برخوردار نیست. سود حاصل از تمامی ظرفیتهای سودآوری این بخش به اندازه ای نیست که به خطر افتادن آن، این چنین سرمایه گذاری را برای سرکوب و خاموش کردن اعتراض کارگران در نظر بگیرند اما در عرصه

کارکردهای سیاسی و اجتماعی، حرکت کارگران شرکت واحد برای سرمایه داری بسیار مهم و حیاتی می باشد. اگر چه از نظر اقتصادی و به ظاهر این بخش از کارگران بهره و سود زیادی را به جیب سرمایه داران سرازیر نمیکنند اما از نظر اجتماعی کارگران حمل و نقل علی العموم و کارگران شرکت واحد بطور خاصی نقش ویژه ای در بهم خوردن تعادل سرمایه داری میتوانند داشته باشند. با یک اعتصاب چند ساعته کارگران شرکت واحد، رفت و آمد عمومی مختل شد تمامی کسانی که بعنوان تولید کنندگان ثروت در جامعه (از اتوبوسها علی العموم کارگران استفاده میکنند) از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده میکنند نتوانستند به موقع سرکار حاضر شوند، در همه جا شاهد صفهای طولانی مسافران منتظر اتوبوس بودیم، در آن روز بخش وسیعی از اعضا جامعه به موقع سرکارشان نرسیدند، چرخهای ماشینهای تولیدی برای ساعاتی از کار باز ایستاد، کارگران خدماتی به موقع سرکارشان نرسیدند. اگر اعتصاب کارگران نفت از نظر اقتصادی شیرازه سرمایه درای را بر هم میریزد اعتصاب کارگران شرکت واحد نیز توانست به درجه ای هم سنگ آن عمل کند.

کارگران شرکت واحد همانطور که در طول مبارزات اخیرشان توانستند با اتکا به ظرفیتهای موجود خود مبارزاتشان را به پیش ببرند می بایستی بیشتر از گذشته به نقش آگاهی از ظرفیتهای اعتصاب، متشکل شدن، مجمع عمومی به عنوان ابزار دخالت گری عمومی در تصمیمات هیئت مدیره و استفاده از تمامی ظرفیتهای رسانه ای و افکار عمومی داخلی و جهانی در مبارزاتشان متمرکز شوند. باید متشکل و با اتکا به اراده مستقیم کارگران مبارزه را پیش برد.

مبارزات کارگران شرکت واحد ارزشمند است چرا که یکبار دیگر انسان را در مرکز تصمیم گیری برای آینده اش قرار داد، اعتماد به نفس را در بخشی از کارگران زنده کرد و به انسان تحقیر شده امروز نشان داد که خود اوست که میتواند از این جهان نابرابر خلاص شود و حرمت انسانی اش را حفظ کند.

پیش به سوی ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

رضا رشیدی

منبع : سایت شورا

۱۳۸۵/۸/۱